

لزوم همکاری
مردم ، قضات و وکلای دادگستری
برای
ایجاد و اجرای عدالت

خلاصه سخنرانی
دکتر احمد هومن
مشهد، آذرماه ۱۳۴۸

ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریاست کانون در سفر خود به مشهد مقدس در تالار اجتماعات دادگستری با حضور جناب آقای استاندار خراسان، ریاست دادگستری، تیمسار فرماندهی لشکر، ریاست دانشگاه و ریاست بازرسی نطقی دربارهٔ تحقق عدالت و همکاری قضات و وکلای مردم در این امر و سهمی که این همکاری در پیشرفت کارها خواهد داشت، ایراد نموده پس از اشاره به مشکلات اظهار داشتند:

اگر بخواهیم مقررات متداول در جهان را بررسی کنیم، باید

بگوییم که دنیای ما به چهار شیوه حقوقی اداره می‌شود:

۱- طریقه حقوق نوشته عادت (سیستم کامان لو) که در انگلستان، آمریکا و نیوزلاند، استرالیا و غیره رایج است. قانون مدون مورد توجه کامل و استقبال عمومی نیست. قانون نتیجه فکر و تجربه قضایی است و معتقدند که قانونی که با عجله و شتاب نوشته می‌شود، مفید بحال جامعه نخواهد بود قضاوت و وکلای باید از تجارب و آرای گذشتگان استفاده کنند. طرز رسیدگی اغلب بوسیله هیئت منصفه است و با روبرو کردن مردم با دادستان و وکیل مدافع حقیقت بهتر کشف می‌شود.

۲- طریقه مدون که در کشورهای سبک لاتین مثل فرانسه، ایتالیا، سوئیس و بلژیک و عده زیادی از کشورهای اروپایی عمل من شود و هر چه بتصویب مجالس مقننه رسید، مدون شده پس از انجام تشریفات خاص قانون می‌شود.

۳- طریقه حاکم در اتحاد جماهیر شوروی و اقمار تابعه و چین که چون در این نظام مالکیت فردی موجود نیست و وسایل تولید، توزیع و دوران ثروت در دست دولت و فرد مستهلك اجتماع است، طبعاً نظم حقوقی و کیفری متفاوت است. مثلاً در امور کیفری اصل قیاس را برخلاف اصول مسلم متداول قبول کرده‌اند و قاضی بعضی اوقات بدون اینکه مجازاتی در قانون کیفری پیش‌بینی شده باشد، موارد مشابه را بهم نزدیک کرده و حکم به مجازات می‌دهد. مثلاً اگر کسی کارخانه‌ای را خراب یا در امور کشتی اخلال کند، او را يك فرد خطرناك برای جامعه می‌دانند. این عمل در قانون مجازات برایش کیفر پیش‌بینی شده است؛ ولی برای فردی که با نوشتن مقالات ادبی در روزنامه انتقاداتی از اوضاع بکند، مجازات خاصی پیش‌بینی نشده است، اما قضاوت می‌توانند این دو مورد را بهم نزدیک کرده مجازات پیش‌بینی شده عامل اولی را برای دومی هم تعیین کنند. با این ترتیب مصونیت فردی کاملاً تأمین نخواهد بود.

۴- طریقه کشورهای آمریکای لاتین که منطبق با اوضاع و احوال آن جوامع است؛ در امور کیفری شدت عمل بیشتری هست و مجازاتهای فردی گاهی جنبه دسته جمعی می گیرد که آنهم خلاف اصول کیفری است.

در این باره می توان راجع به هر يك ساعتها حرف زد، ولی چون وقت کافی نیست، بهمین مختصراً اکتفا می شود.

طریقه و نظام حقوقی ما شبیه گروه دوم (سبک لاتین) است، با این اختلاف که حقوق مدنی ما از فقه اسلامی سرچشمه گرفته، حقوق کیفری ما از قانون ۱۸۱۰ فرانسه و حقوق بازرگانی ما از قانون بلژیک و آیین دادرسی کیفری و مدنی ما ترجمه از قوانین فرانسوی است! نتیجه انبوه شدن قوانین است که حتی کسانی که سروکارشان مثل وکلای دادگستری و قضات با آنهاست، از کثرت و تعدد قوانین و آیین نامه ها گیج می شوند و بعضی اوقات سردرگم هستند.

از سوی دیگر این قوانین غالباً کهنه می شوند، ولی نسخ نشده اند و با زمان و ترقی و تکامل جامعه منطبق نخواهد بود. مثل قانون کیفر، که نواقص متعددی دارد و باید تغییر پیدا کند تا با ترقیاتی که در کلیه شئون در جامعه مایرکت وجود مبارك شاهنشاه آریامهر صورت گرفته، تطبیق داشته باشد. برای مثال در قانون کیفر معافیت از کیفر فقط برای مجانین و اشخاص مختل المشاعر پیش بینی شده است. در صورتی که عده زیادی که به بیماریهای اراده (مثل صرع، مالیخولیا و وسواس و غیره) مبتلا هستند، اگر در حال بحران مرتکب جرمی شوند، طبق موازین علمی و روانشناسی باید معافیت داشته باشند؛ چنانکه در کشورهای اسکاندیناوی برای مرتکبین که بیماری اراده دارند، معافیت قایلند.

از این کلیات گذشته برای اجرای عدالت بنده معتقدم که بایست بین قضات و وکلای دادگستری و مردم همکاری و اشتراک مساعی موجود باشد. مردم در همه جای دنیا محتاج به آموزش و پرورش اند. رایگان کسی چیزی یاد نمی گیرد. باید آنها را تربیت و ارشاد کرد. و تا ارشاد و تبلیغ صحیح در کاری نشود، هیچ مهمی انجام نخواهد شد. در مورد اصلاح امور زندانیان همکاری مردم بسیار ضروری است. برای اینکه مردم در يك موضوع چند بار شکایت نکنند و اعتقاد آنها بدستگاه قضایی زیاد شود، تبلیغ و ارشاد درست بی اندازه موثر است و این کار محتاج صرف وقت و هزینه و داشتن افراد با صلاحیت است.

انشاءالله این نواقص بتدریج رفع خواهد شد؛ گرچه بقول کانت در طبیعت جهش نیست و نمی توان توقع داشت که همه کشورها یکسان باشند، ولی باید امیدوار بود که بر طبق قانون تکامل ما هم به آنچه شایسته آن هستیم، برسیم.

قضات و وکلای دادگستری باید یکدیگر را تحمل کنند و با جدیت تمام برای احقاق حق مردم بکوشند. جامعه سعادت مند جامعه ایست که بگفته افلاطون هر کس بکاری که در آن توانایی دارد، مشغول انجام وظیفه باشد و کسی بکار دیگری کار نداشته باشد.